

بیست و سه نکته درباره یک کتاب دوست داشتنی

■ حسین شیخ الاسلامی

سلطان آشغالگردها
نویسنده: مهدی میرکیایی
تصویرگر: حمید بهرامی
نوبت چاپ: سوم ۱۳۸۴
ناشر: انتشارات افق
تعداد صفحات: ۱۹۲ صفحه
بها: ۱۴۰۰ تومان



می‌کند. در واقع شیرمان، از طریق هدایت صاحب قدیمی ببرک به سمت محل زندگی او، به ببرک بدل می‌زند. از سوی دیگر، شیرمان به کمک سگ‌های دیگر، علیه پاسبان‌ها هم قیام می‌کند و شهر را به آشوب می‌کشد. عاقبت شیرمان که حالا هم از پاسبان‌ها انتقام گرفته و هم به سگ‌ها کمک کرده، به آنان دستور می‌دهد که به آشغالزار بازگردند و خود به سمت کوهستان‌ها می‌رود. ببرک هم باز به دست صاحبش می‌افتد و با گربه اشرافی دیگری ازدواج می‌کند. این خلاصه‌ای بود از کتاب «سلطان آشغالگردها»، نوشته مهدی میرکیایی که با تصویرگری حمید بهرامی، توسط انتشارات افق منتشر شده است.

۱) او را به حومه شهر و محل ریختن زباله‌های شهر می‌رانند. سگ پلیس که شیرمان نام دارد، در آن جا با دشمنان قدیمی خود، یعنی سگان ولگردی که خود شیرمان آن‌ها را از شهر رانده رو به رو می‌شود. این دشمنان قسم خورده، قصد جان او می‌کنند، اما سگ پیر و فرتوت، با کمک ببرک، گربه شاهزاده‌ای شرقی که از بد روزگار و به خاطر هوسبازی سر و کارش به آن جا افتاده، قوت جوانی‌اش را باز می‌یابد، اما سپس می‌فهمد که ببرک هم می‌خواهد از او سوء استفاده کند. به همین علت، دوباره با هم جنسانش متحد می‌شود و علیه ببرک (که حالا با استفاده از قدرت شیرمان، تبدیل به سلطان آشغالگردها شده) قیام





۲) عناصر اصلی داستان میرکیایی را می‌توان در سگ پلیس، آشفالزار، گربه‌های اشرافی و از همه مهم‌تر شاهزاده شرقی (۱۴) خلاصه کرد. اما آیا این عناصر، شخصیت‌ها یا محیط‌ها را یک مخاطب ایرانی تجربه کرده است؟ نگارنده در این متن کوتاه، نقش قاضی را بازی نمی‌کند، اما می‌خواهد این واقعیت را گوشزد کند که او، در حین مطالعه اثر، چند بار به روی جلد کتاب بازگشت تا مطمئن شود که این اثر ترجمه نیست و تألیف است.

۳) این طبیعی است که هر نویسنده‌ای حق دارد محیط و دنیای داستانی خود را انتخاب کند. ۴) شاهزاده شرقی: در متون غربی هر وقت با این عبارت روبه‌رو شدید، می‌توانید مطمئن باشید منظور نگارنده یا شاهزاده‌ای ایرانی است و یا شاهزاده‌ای در دربار عباسیان! منظور مهدی میرکیایی از شاهزاده شرقی چه بوده است؟

۵) پسا استعمارگرایان، خطر اصلی غرب‌زدگی را در الگو قرار دادن جوامع غربی نمی‌دانند، بلکه خطر اصلی، خطر باز تعریف جهان‌سومی‌ها از خودشان، بر اساس ملاک‌ها و معیارهای غربی است.

۶) از این مؤلفه که چندان هم مهم نیست، بگذریم. در حوزه محتوا، اثر میرکیایی، چند مشخصه مهم دیگر هم دارد که پیش از آن که اشاره‌هایی نکته‌وار به ویژگی‌های تکنیکی این کتاب داشته باشیم، لازم است این ویژگی‌های خاص را نیز ذکر کنیم. این ویژگی‌ها عبارتند از: حضور پررنگ عنصر شرافت و اصالت، بی‌ثباتی مداوم شخصیت‌ها در داستان و در عین حال، تفوق و پیروزی نهایی جایگاه اصلی شخصیت‌ها.

۷) این نوشته، یک نقد به معنای علمی و متعارفش نیست، بلکه دیدگاه‌های یک مخاطب

معمولی است درباره کتاب «سلطان آشفالگردها». این که نگارنده متن حاضر، چنین روشی را برای پرکردن فرصتی که از سوی مسئولان پژوهشنامه به وی داده شده بود، برگزیده است، مستقیماً مربوط می‌شود به نگاهی که او به این کتاب داشته است. از منظر نگارنده متن حاضر، این کتاب، اگر چه به لحاظ تکنیکی، به هیچ عنوان ضعیف محسوب نمی‌شود، در حوزه محتوا نکات جالبی دارد که شاید پرداختن به این نکات مفیدتر از توضیح و تشریح ویژگی‌های ادبی آن باشد.

۸) یکی از محورهای اصلی این کتاب، نگاه به گذشته و جایگاه و خاستگاه شخصیت‌های داستان است: ببرک شاهزاده‌ای است که از اصل خود دور افتاده و به ناچار در همان آشفالزار می‌کوشد سلطنتی برای خود دست و پا کند. شاهزاده شرقی در حسرت روزگار پرشکوه گذشته است و پسرش هم از آن گذشته نفرت دارد و سنگینی گذشته اصلیش را بر دوش احساس می‌کند. شیرمان هم حسرت جوانی‌اش را دارد و هم حسرت گذشته



دید تقریباً محدود به شخصیت شیرمان و محور داستان هم قطعاً سرنوشت شیرمان است. پس چرا میرکیایی برای داستان نام «سلطان آشغالگردها» را انتخاب کرده است؟ منظور او چه بوده است؟ (۱۲) همه شخصیت‌های داستان، به ریشه‌های خود بازمی‌گردند. شیرمان به کوهستان که جایگاه طبیعی‌اش است، باز می‌گردد. سگ‌های آشغالخور به ناچار به آشغالزار باز می‌گردند. شاهزاده تبرئه می‌شود و به زندگی طبیعی خود می‌پردازد. ببرک با مخمل ازدواج می‌کند و ...

(۱۳) البته قاعده فوق، دو استثنا هم دارد: پسر شاهزاده و گوش بریده. پسر شاهزاده به زندان می‌افتد و نه تنها جزای کارش را می‌بیند، بلکه رسماً از اصالت و شرافت خویش نیز می‌افتد. در آن سو گوش بریده، رفیق شیرمان که ابتدا فقط به سبب سودجویی به شیرمان خدمت کرده بود، حالا افتخار همراهی با او را پیدا می‌کند و در حالی عرصه داستان را ترک می‌گوید که به غرور و ترسی سگ‌های کوهستان فکر می‌کند.

(۱۴) نظام طبقاتی، کاست، اصالت، گذر بین طبقات مختلف... این‌ها درونمایه‌های واقعی اثر میرکیایی هستند... باز هم باید تکرار کنم که این باعث کم‌ارزش یا ارزشمندتر شدن «سلطان آشغالگردها» نمی‌شود، اما برای نگارنده جالب بود که میرکیایی با هنرمندی تمام، توانسته بی آن‌که مستقیماً هیچ اشاره‌ای به نظام طبقات اجتماعی داشته باشد، تا به این حد این مؤلفه را در کتاب خود پررنگ کرده و در واقع زمانی آفریده است بر اساس طبقات اجتماعی.

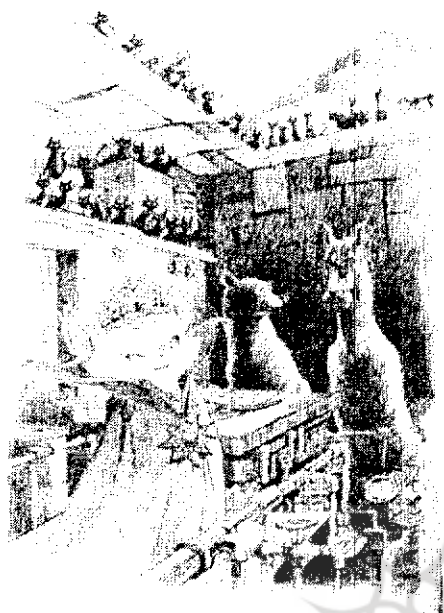
(۱۵) اما سرانجام، موضع جهان داستان در باب نظام طبقاتی چیست؟ شاید برای آن‌که پاسخ این سؤال روشن‌تر باشد، بهتر باشد پیشینه موضع‌گیری ادبیات کودک ایران، نسبت به

پرافتخارش در اداره پلیس را و ... شاید بتوان گفت این اثر، اثری درباره اصالت است.

(۹) از سوی دیگر، ریتم تغییر و تحولات شخصیتی در این داستان تند است. شیرمان ابتدا با همه بیگانه است. سپس با رویگردانی از اصالت خود، با گربه‌ها دوست می‌شود و علیه سگ‌ها قیام می‌کند. در مرحله بعد، او با سگ‌ها متحد می‌شود و علیه ببرک توطئه می‌چیند. بعد به کمک سگ‌ها، ابتدا با پاسبان و سپس با گربه‌های شهر می‌جنگد و سرانجام، به سگ‌های آشغالخور هم پشت می‌کند و به کوهستان می‌رود. در دیگر سو، ببرک هم تقریباً چنین طیفی از تحولات شخصیتی را طی می‌کند. حضور او در داستان، اگر نگوییم حضوری زنانه، لاف‌لطف و آداب‌زنانه است. سپس به یک شخصیت مودی و حيله‌گر تبدیل می‌شود. در قدم بعدی ببرک را در نقش شورشگری سفاک می‌بینیم و عاقبت با ازدواج ببرک و مخمل، او در مقام گربه‌ای دست‌آموز، داستان را به پایان می‌برد... باقی شخصیت‌های داستان هم کمابیش در همین حد، شخصیت‌هایی ناپایدار و سیال دارند.

(۱۰) این ویژگی، ساختار جالبی به کتاب می‌دهد. پایگان ارزشی، در حوزه محتوای کتاب مدام به هم می‌ریزد و این باعث افزایش جذابیت کتاب از یک سو و جلب توجه خواننده به عمق شخصیت داستان‌ها از دیگر سو می‌شود. در واقع اگر بخواهیم ساختار شخصیت‌ها را در این کتاب تصویر کنیم، لاف‌لطف به سه ساختار کاملاً متمایز خواهیم رسید که هر یک بر یک سوم کتاب حاکمند.

(۱۱) نکته دیگری که با خواندن کتاب به ذهن نگارنده خطور کرد، این پرسش بود که: چرا نام داستان این گونه انتخاب شده است؟ زاویه



این مؤلفه یادآوری شود. صمد بهرنگی، یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ ادبیات ایران، بسیاری از کتاب‌هایش را برای کودکان فقیر می‌نوشت و در سرلوحه کتاب، بچه پولدارها (در ادبیات خود وی) را از خواندن کتاب‌هایش منع می‌کرد. در واقع ادبیات کودک و نوجوان ایران، در طول تاریخ خود، به واسطه پیوندی که با نیروهای انقلابی داشته (ابتدا نیروهای چپ مارکسیستی، بهرنگی و ...) سپس نیروهای انقلابی اسلام‌گرا، (سرشار و ...) تقریباً اعتراض علیه نظام طبقاتی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ثابت خود، همیشه حمل می‌کرده است.

۱۶) اگر بخواهیم دو گانه انقلابی / محافظه کار را بپذیریم، شاید تأیید این نکته که کتاب میرکیایی، از معدود کتاب‌های محافظه کار اجتماعی، در تاریخ ادبیات کودک و نوجوان ایران است، نکته‌ای بدیهی به نظر برسد.

۱۷) محافظه کاری، صفت بدی نیست. محافظه کاری اندیشه‌ای است که به دفاع از نظم موجود در جامعه می‌پردازد و معتقد است به هم‌ریختن این نظم، به سود هیچ کس تمام نمی‌شود. میرکیایی هم در این کتاب، با روایت کردن انواع و اقسام تغییر و تحولات اجتماعی و بالا و پایین شدن جایگاه شخصیت‌های داستان، عاقبت وقتی داستان را به ایستگاه نهایی هدایت می‌کند و آرامش نهایی را به داستان می‌بخشد که همه، مطابق نظم پیشین به جایگاه خود بازگشته‌اند (بند ۱۳ همین مقاله)

۱۸) شاید بهترین نمونه آثار هنری محافظه کار، فیلم‌های هالیوودی باشد. اگر چه در ادبیات روشنفکرانه امروز ایران، فیلم‌های هالیوودی، چندان صفت مناسبی به حساب نمی‌آید، واقعیت این است که از لحاظ هنری،

برخی از این فیلم‌های هالیوودی، برترین آثار تاریخ سینما به حساب می‌آیند (الفرد هیچکاک، دیوید لینچ، دیوید فینچر و ... همه کارگردان‌های هالیوود هستند). آن چه باعث می‌شود فیلم‌های هالیوودی، محافظه کار باشند. قوانین نانوشته‌ای است که در تمام این فیلم‌ها اعمال می‌شود: تقدس خانواده، برتری کشور (ایالات متحده)، شکست نیروهای بد و ...

۱۹) بنابراین، وقتی «سلطان آشغالگردها» را اثری محافظه کارانه می‌خوانیم، قصدمان تخطئه اثر نیست، بلکه اشاره به یک ویژگی محتوایی این کتاب است. در واقع میرکیایی، شاید با توجه به فضای حاکم بر ادبیات کودک ما، کمابیش جسارت به خرج داده که چنین دورنمای‌ای برای کتاب خود برگزیده است.

۲۰) اما جدا از بحث محتوا، پرداختن به جنبه‌های تکنیکی این اثر نیز خالی از فایده به نظر نمی‌رسد. شاید نخستین نکته‌ای که به نظر

می‌رسد، تبیین فاجعه (catastrophe) در این اثر باشد. با هم بازخوانی کنیم: «پلیس به سرگیجه افتاده بود. پس از بازداشت شاهزاده «ک» رییس پلیس به مردم شهر اعلام کرده بود: «به سرنخ‌های جالبی دست پیدا کرده‌ایم.» اما سرقت جواهرفروشی همه را در حیرت فرو برد؛ پلیس هیچ توضیحی درباره این سرقت عجیب نداشت. از طرفی شکایت خانواده پرنده‌فروش، روی میز رییس پلیس بود. آن‌ها از حدود سی گربه شکایت کرده بودند...» (ص ۱۲۵)

فاجعه در این دسته از آثار داستانی، پیش و بیش از هر چیز، مولود و محصول دو دنیای متفاوت (دنیای واقعیت و دنیای تخیل) است. هنگامی که گربه‌ها و سگ‌های سخنگو، از منطق سود می‌جویند و با استفاده از نقشه‌ای هوشمندانه شهر را به هم می‌ریزند، توصیف و تحلیل اتفاقی که برای شهر می‌افتد، هم می‌تواند به جذابیت داستان کمک کند (هری پاتر را همه به یاد دارند) و هم این که نقشی اساسی در پیشبرد خط روایی داشته باشد. اما نویسنده این کتاب، به کلیشه‌ها در توصیف این برخورد حیاتی بسنده کرده است. آنچه ما از سوی دیگر ماجرا (پلیس‌ها، روزنامه‌ها، مردم) می‌دانیم، هیچ‌گاه به عمق نمی‌رود.

۲۱) یک خط روایی در داستان، کاملاً به حال خود رها شده است. در واقع یک جنبه از داستان بالکل ناگفته باقی مانده و آن اتفاقاتی است که در پاسگاه پلیس می‌افتد. این خط روایی، نه آن قدر پرداخت می‌شود که هویتی مستقل از خط اصلی بیابد و نه آن قدر در موردش سکوت می‌شود که همچون خطی فرعی و بی‌اهمیت کنار گذاشته شود. این خط روایی که اتفاقاً در این دست داستان‌ها اهمیت فراوانی نیز دارد، شاید نقطه ضعف اصلی این کتاب باشد.

۲۲) از منظر تکنیکی و در نگاهی کلی، کتاب «سلطان آشغالگردها» کتابی کمابیش کامل است. ریتم یکدست و زیان پیراسته، رفت‌وآمد خوب راوی میان صحنه‌های مختلف، کات‌های به جا و مناسب و بالاخره پایان‌بندی‌هایی اگرچه تا حدی تکراری، اما دلنشین و زیبا، بی‌شک می‌توانند آفریننده یک اثر خوب و دوست‌داشتنی باشد؛ اثری که والدین می‌تواند با خیال راحت، خواندن آن را به کودکان خود توصیه کنند.

۲۳) در پایان، باید بگویم به عنوان یک خواننده، این اثر را اثری جذاب یافتیم؛ درست مثل فیلم‌های هالیوودی که علاقه خاصی به دیدن‌شان داریم.

